

مدل ارزیابی کیفیت زندگی در محلات از پیش اندیشیده شده

(نمونه مطالعاتی: محله کوی ملت اهواز)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۹/۱۹

کیانوش ذاکر حقیقی* (استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان)
مهديس جمالی پور (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان)

چکیده

کیفیت زندگی شهری یکی از مهم ترین مسائل مطالعات و پژوهش شهری و دارای مؤلفه‌های اجتماعی، محیطی، کالبدی و اقتصادی است. توجه به این شاخص‌ها در شهرها به دلیل نقش آن در تعیین میزان قابل زیست بودن شهرها به طور عام و محلات از پیش‌اندیشیده شده به طور خاص رو به فزونی یافته است. محلات از پیش‌اندیشیده شده به دلیل طراحی و برنامه‌ریزی اولیه، انتظارات و باورهای خاص را در خود به وجود آورده‌اند که بر اساس آن انتظار بالا بودن سطح کیفیت زندگی در آن‌ها نسبت به سایر محلات شهر نیز دیده می‌شود. هدف این پژوهش تدوین مدل ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان کوی ملت اهواز از شاخص‌های کیفیت زندگی و ارائه پیشنهادهایی مبتنی بر آن است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش تحقیق به صورت اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری آن شهروندان ساکن در فاز یک محله کوی ملت واقع در منطقه‌ی ۳ شهرداری اهواز بوده که به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش بر اساس معادلات ساختاری ایجادشده نشان داد که از شش مؤلفه‌ی مورد بررسی بر مبنای مدل میشل، محیط کالبدی مؤثرترین مؤلفه بر کیفیت زندگی بوده است و بنابراین انتظارات لازم در مورد طراحی و برنامه‌ریزی از پیش‌اندیشیده شده در محله تا حدود زیادی برآورده شده است پس از آن به ترتیب درجه‌بندی مؤلفه کالاها-زیرساخت و خدمات، اقتصادی، اجتماعی امنیت و مؤلفه‌ی توسعه فردی با یک زیرمتغیر و یک زیرمتغیر حذف شده کمترین اثرگذاری را بر کیفیت زندگی داشته است. تدوین مدل ارزیابی در این محله نشان می‌دهد که تدوین مدل ارزیابی و نیز نتایج حاصل از آن می‌تواند منجر به دستیابی به رهنمودهایی برای ارتقای محیط در این گونه محلات بشود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی شهری، برنامه‌ریزی، محله‌ی کوی ملت اهواز

مقدمه

کیفیت زندگی یکی از مهم ترین مسائل پیش روی جهان امروز و از مباحث اساسی در تکوین سیاست گذاری اجتماعی محسوب می شود که موضوعاتی چون رفاه، ارتقاء کیفیت زندگی سلامت محور، رفع نیازهای اساسی، زندگی رو به رشد و رضایت بخش، نوع دوستی و از خود گذشتگی در میان اجتماعات را در بر می گیرد. با توجه به مهم بودن کیفیت زندگی برای افراد جامعه، تلاش برای ارتقاء آن از اصلی ترین اصول و اولویت های برنامه ریزان و سیاست گذاران اجتماعی و مدیران و مسؤولان حکومتی در هر جامعه و کشوری است. لذا به جرأت می توان گفت کلیه برنامه ها، سیاست ها و عملیات های اجرایی در یک جامعه در راستای ارتقاء کیفیت زندگی مردم آن جامعه است. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می تواند به ارزیابی سیاست ها، رتبه بندی مکان ها، تدوین راهبردهای مدیریت و برنامه ریزی در هر جامعه ای کمک کرده و درک و اولویت بندی مسائل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران آن جامعه را به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تسهیل سازد. همچنین یافته های کیفیت زندگی می تواند برای بازشناسی راهبردهای پیشین و طراحی سیاست های برنامه ریزی آینده استفاده شوند (lee et al., 2008: 1207). علاوه بر این مطالعات کیفیت زندگی می تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست ها و راهبردها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. به طور کلی رویکرد کیفیت زندگی شهری، تلاشی در جهت ایجاد شهر سالم و تأمین خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چارچوب پایداری و احساس رضایت است (Harpham et al., 2001:109). مفهوم کیفیت زندگی به عنوان بازتاب همه جانبه احساس شخصی از سلامتی شامل همه عواملی که در رضایت مندی انسان نقش دارند، فرض شده است و تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر می باشد (Van poll, 1997: 2). لارسن سلامت اجتماعی را گزارش فرد از کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه های اجتماعی که عضو آنهاست، تعریف می کند و معتقد است مقیاس سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد را می سنجد و شامل آن دسته از پاسخ های درونی فرد است که نشان دهنده رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی و محیط اجتماعی اش هستند (سمیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). کیفیت محیط نیز با تأکید بر ساخت شهر و خوانایی شکل کالبدی آن را به عنوان عوامل تأثیرگذار در تعیین سطح کیفیت زندگی مطرح می نماید (بحرینی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). از سویی امروزه بهبود کیفیت زندگی در جوامع نتیجه عوامل اقتصادی از قبیل میزان درآمد، دسترسی به

خدمات عمومی، رشد اقتصادی و میزان پس اندازها، بهره‌وری و سرانه‌ها می‌باشد (خادمی، ۱۳۹۰: ۲۸). در این میان محله‌ی کوی ملت اهواز هر چند از لحاظ بعد اقتصادی در بعضی زمینه‌ها مانند کسب درآمد و افزایش سرانه‌های داخلی بهبود یافته است، اما متأسفانه از بعدهای دیگر نسبت به گذشته نه فقط پیشرفتی نداشته، بلکه بر مشکلات آن مانند افزایش مهاجرت به داخل محله، بروز آلودگی‌های مختلف در سطح محله و مشکلات اجتماعی اضافه شده است.

پیشینه پژوهش

ریشه‌های تاریخی استفاده از عبارت کیفیت زندگی را می‌توان در آثار کلاسیک ارسطو که مربوط به سال ۳۳۰ قبل از مسیح است، یافت. وی در اصولی اخلاقی کلاسیک از رابطه بین کیفیت زندگی هنگام شادی و ارزش‌های ذهنی افراد سخن می‌گوید (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۵). عبارت کیفیت زندگی دوره‌های تاریخی زیادی را پشت سر گذاشته و تغییرات مختلفی در مورد آن صورت گرفته است. این عبارت علایق شخصی، تجارب، احساسات، دیدگاه‌ها و عقاید راجع به ابعاد فلسفی، فرهنگی، معنوی، روانشناسی و مالی زندگی روزمره را شامل می‌شود. علاقه‌مندی به بررسی عوامل مؤثر بر خوشحالی و رفاه انسان پیشینه‌ای طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. در واقع این که چگونه باید و می‌توان زیست که بهترین منفعت از زندگی را کسب کرد. شاید به قدمت توانایی آدمی برای اندیشه در مورد آینده و عبرت گرفتن از گذشته باشد (بهمنی، ۱۳۸۹: ۳۶). در قرن معاصر، کیفیت زندگی در حدود ۴۰ سال پیش در آمریکا معرفی شد و علوم اجتماعی پرچم‌دار روح و سنجش آن شد. در اواخر قرن ۲۰ موضوع کیفیت زندگی در علوم اجتماعی بیش تر مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۹۵۵ با تأسیس جامعه بین‌المللی برای پژوهش درباره کیفیت زندگی، این گونه تحقیقات نهادینه شدند (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۷). مفهوم کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۶ در کتابی با عنوان شاخص‌های اجتماعی اثر ریموند بائر مورد توجه خاصی قرار گرفت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶). با آنکه مفهوم کیفیت زندگی بیش تر مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز اجماعی در مورد تعریف آن وجود ندارد (Chan et al. 2007 & Bayram. 2006)، زیرا درک آن از سوی اقشار مختلف جامعه شهری با مفاهیم متفاوتی همراه است (George, Bearon. 1980: 1). این موضوع در پژوهش‌های داخلی نیز تا حدود زیادی نشان داده شده است (Zakerhaghighi et al., 2014).

تبیین موضوع پژوهش

سکونتگاه‌های شهری، امروزه به اعتقادی فراگیر، اصلی‌ترین زیستگاه نوع بشر تلقی می‌شوند که طی قرن‌ها به تدریج جایگاه برجسته‌ای را در نظام فعالیت و سکونت به خود گرفته‌اند. بی‌تردید جهان فراروی ما جهانی خواهد بود که با شهرها عرصه‌های اصلی سکونت را تشکیل می‌دهند و همزمان کانون رقابت و همزیستی نسل بشر با تمامی ابزارها و سازوکارهای سازمانی‌اش خواهد بود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱). قرن‌ها است که مردم به طور ذاتی به دنبال یک زندگی خوب بوده‌اند و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود سعی می‌کردند تا از استعداد و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود حداکثر بهره‌برداری را بنمایند. از این رو همواره مسأله اصلی این بود که زندگی مطلوب و باکیفیت چگونه زندگی است (اونق، ۱۳۸۴: ۳۴). مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد، اما طی دو دهه گذشته به مفهومی چندبعدی بسط یافته است. همزمان با توجه ویژه نظریه‌پردازان و سازمان‌های بین‌المللی به ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسعه، ارتقاء کیفیت زندگی نه صرفاً به عنوان ابزاری جهت برخورد با پیامدهای نامطلوب حاصل از سیاست‌های مرسوم رشد و توسعه، بلکه به عنوان هدف اصلی توسعه مورد تأکید قرار گرفت و در این راستا شاخص‌های مربوط به ارزیابی عملکرد برنامه‌ها نیز تغییراتی کیفی یافتند و علاوه بر عناصر فردی و عینی، مؤلفه‌های اجتماعی و ذهنی را نیز شامل شدند. یعنی نیازهای رفاهی از مسائل عینی چون خوراک، پوشاک و مسکن فراتر رفته و ابعاد جدیدی مانند تأمین اجتماعی، ارتقاء جنبه‌های کیفی زندگی، حفظ محیط زیست، همبستگی ملی و فراهم آوردن شرایط لازم جهت مشارکت مردم در سطوح مختلف فرآیند توسعه را در بر گرفته است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). کیفیت زندگی شهری در برگزیده ابعادی روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد و در برخی موارد رضایت اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین شاخص‌های دیگر مانند مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی، توجه به فرصت‌های اجتماعی، امید به اشتغال، ثروت و اوقات فراغت را نیز شامل می‌شود (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۳۷۵). نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی در شهر کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی راهبردهای سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شود (شهبان،

۱۳۹۳: ۴۳). علاوه بر این مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و راهبردها در این زمینه کمک کند. نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری هستند و خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند. اما در عین حال این نواحی با چالش‌های مهمی نیز در زمینه‌های تخریب کالبدی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن، ترافیک و حاشیه‌نشینی روبه‌رو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهد. با این وجود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سطوح بین‌المللی و ملی بر قابلیت شهرها برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (گلین شریف دینی، ۱۳۸۹: ۲). کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو سری شاخص اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۸). شاخص‌های عینی مانند مسکن، حمل و نقل، خصوصیات اقتصادی و اجتماعی و غیره و شاخص‌های ذهنی مانند میزان رضایت‌مندی از شغل و درآمد و غیره. شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراک، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی شهری به دست می‌آیند. گوناگونی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری بسیار زیاد می‌باشد. این مسأله با توجه به چندبعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی شهری امری بدیهی است. عموماً فرض می‌شود که هر شاخص، بزرگی و اهمیت یک بعد از کیفیت زندگی شهری را منعکس می‌کند. این فرض بر این پایه استوار است که کیفیت زندگی شهری می‌تواند به مجموعه‌ای از اجزا یا ابعاد تفکیک شود که اگر این اجزا به درستی ترکیب شوند در نتیجه یک ارزش یا امتیاز کلی برای کیفیت زندگی شهری می‌تواند به دست بیاید (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۲).

در ایران به دلیل ضعف برنامه‌ریزی، مهاجرت، رشد سریع شهرنشینی و اعمال سیاست‌های ناکارآمد در مواجهه با مشکلات مناطق و محلات شهری و بی‌توجهی به نقش محله‌های شهری در ارتقای هویت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... مشکلات و مسائل محله‌های شهری به صورت قابل توجه ظاهر شده است. این بی‌توجهی باعث کاهش کیفیت زندگی شده است. محله کوی ملت در شهر اهواز نیز از این قاعده مستثنی نیست. به همین جهت در این پژوهش سعی شده میزان رضایتمندی ساکنان محله از وضعیت موجود مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین در این پژوهش سعی بر آن شده است که تفاوت میان این شاخص‌ها در محلات از پیش‌اندیشیده شده با سایر محلات شهری از طریق تحلیل تطبیقی برخی از نتایج سایر پژوهش‌ها با پژوهش حاضر مورد بررسی قرار بگیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف تحقیق، پژوهشی کاربردی می‌باشد. همچنین در این پژوهش بنا بر ماهیت موضوع از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. برای پاسخ‌گویی به سؤالات و آزمون فرضیات پژوهش، سه مرحله‌ی اساسی مورد توجه قرار گرفت. مرحله اول شامل مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و مرور عمیق ادبیات پژوهش، مراجعه به منطقه مورد مطالعه و در نهایت تنظیم پرسش نامه بود و سؤالات بر اساس مؤلفه‌های تعیین شده به صورت پنج‌گزینه‌ای و بر اساس طیف لیکرت تهیه شد. مرحله دوم کار میدانی و مراجعه به منطقه مورد مطالعه برای تکمیل پرسش نامه و در مرحله سوم نیز تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه‌های معین برای آزمون فرضیات و نتیجه‌گیری و برنامه‌ریزی صورت گرفت. محدوده انتخابی، ساکنان فاز یک محله کوی ملت (کرووش سابق) می‌باشند که بر اساس آمار به دست آمده از سرشماری سال ۹۰ برابر با ۱۶۵۹۱ نفر و ۴۲۴۶ خانوار می‌باشند. به علت زیاد بودن جمعیت در تعیین حجم نمونه از حجم خانوار به عنوان جامعه آماری استفاده شد. روش نمونه‌گیری تصادفی، بر اساس فرمول کوکران می‌باشد. بر این اساس حجم نمونه ۳۵۲ پرسش نامه برای محله در نظر گرفته شده است. پایایی پرسش نامه با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو روش توصیفی و تحلیلی انجام خواهد گرفت که در روش تحلیلی برای بررسی ۶ عامل کیفیت زندگی، در قالب ۱۳ زیرعامل از روش مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده خواهد شد. برای این منظور از نرم افزار آموس استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

– مفهوم کیفیت محیط شهری:

تاکنون عوامل متعدد و متنوعی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط شهری عنوان شده است. اما در ابتدا باید مفهوم کیفیت محیط شهر که یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی است، شناخته شود. کیفیت محیط شهری را می‌توان این گونه تعریف کرد: "کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری می‌باشد" (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۷۴). لیسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹ بیان کردند یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایت‌مندی را به جمعیتی که در آن ساکن هستند به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است کالبدی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند (Lasing and

199-195: Marans, 1969). کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندان و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارد؛ به طوری که در بسیاری موارد به عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می شود (Kamp et al, 2003: 6؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). برنامه ریزان بر این باورند که کیفیت محیط یک مفهوم اصلی برای برنامه ریزی منطقه‌ای و اجتماعی است و با مفاهیم وابستگی‌های مکانی و هویت شهری در ارتباط است. وابستگی مکانی نیز خود از تجربیات شخصی مثبت و منفی در یک مکان خاص و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و محیطی نشأت می‌گیرد. برخی از برنامه ریزان کیفیت محیط را در کنار عدالت، سازگاری، آسایش و کارایی از مهم ترین اصول بنیادی شهرسازی به منظور ایجاد شهر سازمان یافته و کاهش آلودگی‌ها و کنترل نابسامانی‌های فضایی در شهر می‌دانند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۴).

- عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی:

رضایت فردی: اگر یک حوزه به عنوان مهم ترین حوزه کیفیت زندگی در نظر گرفته شود، آن حوزه رضایت عمومی فرد از زندگی است. رضایت فردی بخش اعظم مطالعات کیفیت زندگی در آمریکا برای بیش از ۴ دهه بوده است.

عوامل محیط کالبدی: استاندارد محیط کالبدی یکی از عوامل مهم در تحقیقات کیفیت زندگی است. کیفیت محل زندگی به وسیله‌ی مترژ مسکن، وجود یا عدم وجود امکانات اولیه نظیر دست شویی داخل منزل، آب گرم، گرمایش منزل و غیره ارزیابی می‌شوند.

عوامل محیط اجتماعی: شبکه‌های حمایتی خانواده و اجتماع به عنوان یکی از جنبه‌های بنیادی محیط اجتماعی چه در جوامع اولیه و چه تا به امروز وجود داشته است. این موضوع نه تنها اهمیت شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی را در ساختار اجتماعی نشان می‌دهد، بلکه توجه سیاست گذاران مراقبت‌های اجتماعی را نیز جلب کرده است.

عوامل اقتصادی-اجتماعی: با برتر دانستن فرهنگ مصرف جهانی و پاسخ افراد به این فرهنگ، درآمد و ثروت به عنوان عوامل اساسی مؤثر بر کیفیت زندگی افراد تلقی می‌شود؛ به این معنی که لیست ضروریات اولیه زندگی در حال افزایش است.

عوامل فرهنگی: در علوم اجتماعی تفاوت‌های فرهنگی منبعت از پایگاه‌های اجتماعی متفاوت منتسب به سن، جنس، موقعیت طبقاتی، پیشینه قومی و مذهبی افراد را شناسایی و بررسی می‌کنیم. زمانی که در حال ذهنی کردن مفهوم کیفیت زندگی هستیم این عوامل (سن،

جنس و ...) اغلب به صورتی مشابه و یکنواخت به نظر می‌رسند، اما در واقع این عوامل به همان اندازه که تفاوت‌های فردی را در داخل گروه‌های اجتماعی و فرهنگی بازتاب می‌کنند، در بین گروه‌ها نیز مبین این تفاوت‌ها هستند.

عوامل وضعیت سلامتی: از ناتوانی و بیماری به عنوان ویژگی‌های زندگی آینده و از مرگ به عنوان رخدادی حتمی نام برده می‌شود. بین سلامت جسمانی، توانایی عملکردی و سلامت روان با کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

عوامل شخصیتی: ساخت روان یک فرد اغلب مستقیماً مرتبط با سلامت روان او است. عوامل شخصیتی به صورت غیرمستقیم از طریق تأثیر بر سلامت روان بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد.

عوامل استقلال فردی: عوامل استقلال فردی مرتبط با عوامل شخصیتی اما مستقل از محیط کالبدی و اجتماعی می‌باشند. عوامل استقلال فردی شامل توانایی تصمیم‌گیری، کنترل فردی، کنترل با بحث پیرامون محیط کالبدی و اجتماعی متعلق به آن‌ها می‌باشد (بوند و کورنر، ۱۳۸۹: ۱۷).

- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت محیط‌های عمومی شهری:

مناطق شهری به مثابه نقاط عطف جوامع انسانی، مرکز تجمع افراد و اشیای مادی هستند. نگاه ما به فضاهای شهری می‌تواند بر اساس الگوهای متفاوت مردم در خلق مکان‌ها و محله‌های متنوع باشد. به عنوان گزینه ای دیگر می‌توانیم فضاهای شهری را از دیدگاه افرادی ببینیم که براساس ظرفیت ذهنی شان درک متفاوتی از شهرها دارند. بدین طریق می‌توانیم به تعداد همان افراد، به درک‌های متفاوتی از فضای شهری برسیم (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۹۰). مسأله مهم در مورد فضاهای عمومی جاذب برای مردم، ایجاد حس مطلوب بودن یا راحتی در آنها است. واقعیت‌گرای ناپذیر آن است که مردم در فعالیتهای معماران، برنامه‌ریزان و غیره از روی کیفیت و به ویژه کمیت کالبدی آن‌چه در اطراف خود می‌بینند یا تجربه می‌کنند، قضاوت خواهند کرد (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۱). روابط اجتماعی و معاشرت عمومی مردم در قرارگاه‌های رفتاری عمومی صورت می‌گیرد. آنان جذب قرارگاهی می‌شوند که توانایی و میل به سازگاری با الگوهای ثابت رفتاری که در آنجا روی می‌دهند را داشته باشند (امین‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۷). طی بیست سال اخیر تحقیقات زیادی در کشورهای مختلف دنیا، به خصوص در آمریکا به منظور تدوین شاخص‌های ارزیابی کیفیت محیط انجام شده است. در آمریکا تحقیقات گسترده‌ای از

سال ۱۹۸۳ تاکنون به منظور دستیابی به شاخص‌هایی برای ارتقاء کیفیت محیط سکونت‌ی از طریق سیاست‌گذاری‌های دولتی صورت گرفته است. در کشورهایی همچون کانادا، فرانسه، هلند، نروژ و انگلستان به منظور ارزیابی و ارتقاء کیفیت محیط در مقیاس‌های ملی و محلی، شاخص‌ها و چشم‌اندازهایی در سیاست‌گذاری‌ها و اهداف ملی در نظر گرفته شده است (بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷: ۴۴). شهرسازان و برنامه‌ریزان عموماً مؤلفه‌های مختلفی را از جنبه‌های گوناگون در مورد کیفیت محیط شهری عنوان می‌کنند. برنامه‌ریزان و طراحان دارای نقطه نظرهای خاص خود در مورد شهرها بوده و مجموعه‌ای مشخص از ارزش‌ها را درباره کیفیت شهر قائل هستند که می‌توان به این موارد اشاره نمود: مشارکت و کنترل محله‌ای، خودکفایی، ثبات اجتماعی و فضاهایی که روابط اجتماعی غیررسمی را تسهیل می‌کند. گرچه اینها ممکن است ارزش‌های اصلی باشند، ولی اغلب عوامل دیگری چون برابری و عدالت، سلامتی، پاکیزگی، تعادل، نظم، پرهیز از اتلاف و برقراری رابطه نزدیک با طبیعت نیز مورد تأکید قرار گرفته است. پیشنهادهایی نیز ممکن است جنبه‌های دیگری نظیر تنوع و آزادی، لذت به وجود آوردن، تکامل شخص یا گروه و یا حتی گاه آسایش، کارایی عملکرد یا دسترسی خوب را در برگیرد (لینچ، ۱۳۷۶: ۴۸۳-۴۸۶). ساوت‌ورث دوازده معیار کلی را به عنوان عامل اصلی مؤثر در کیفیت محیط شهری مطرح کرده است که عبارتند از: دسترسی، راحتی و آسایش، سرزندگی و حیات، شغف و شادی، شکل، حفاظت از محیط، تنوع و تجانس، معنی، خوانایی ساخت، باز بودن فضاها، مرمت و نگهداری و سلامتی و ایمنی (بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷: ۴۴). حفاظت بیولوژیکی، تنوع، تحرک، انتخاب محل سکونت، اجتناب از تبعیض اجتماعی و امکان گسسته شدن از پیوندهای اجتماعی نیز بخشی از عوامل برشمرده هستند (لینچ، ۱۳۷۶: ۴۸۶).

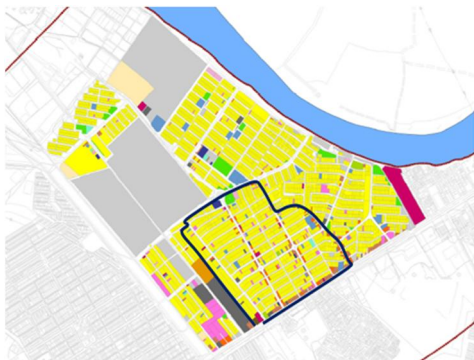
به صورت تاریخی، در سال ۱۹۷۵ تئوری به نام "تئوری رضایت شهروندان" ارائه شد. این تئوری یک مدل تحلیلی است که براساس میزان رضایت شهروندان از محیط سکونتشان در مورد مؤلفه‌های مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، زیباشناسی و غیره عمل می‌کند. برای دستیابی به معیارهای کیفیت محیط شهر و محلات آن که مورد نظر شهروندان باشد، محققان روی ۷۶۷ خانوار در اوهایو مطالعه کردند. آن‌ها خصوصیات خانوارها، محل سکونت فعلی، محله‌ای که در آن زندگی می‌کردند و تأثیرات این عوامل بر رضایت این خانوارها را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف از این پژوهش دستیابی به یک مدل از رضایت شهروندان بود که برای برنامه‌ریزان مسکن و سیاست‌گذاران قابل استفاده است. این مدل بر مبنای تطابق خواست‌ها و نیازهای شهروندان با موقعیت فعلی و احساس آن‌ها از محل سکونتشان عمل

می‌کند. عمده مؤلفه‌هایی که خانوارهای منتخب به عنوان معیارهای کیفیت محیط ارائه دادند شامل عوامل بهداشت محیط، امنیت، برخورداری از تسهیلات شهری خوب، تعاملات اجتماعی خوب، پرهیز از آلودگی‌های صوتی و هوا، ترافیک کم و غیره بوده است. آن‌ها پس از تمام بررسی‌ها اعلام نمودند که موفقیت و یا شکست برنامه‌های شهری در ایجاد و یا تغییر وضعیت فضاهای عمومی، باید به وسیله پیمایشی با حجم نمونه آماری که معرف جامعه شهروندان با در نظر گرفتن تمام ویژگی‌ها و گروه‌های اجتماعی خاص باشد، مورد ارزیابی قرار گیرد. اگر فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان رضایت‌بخش بودند، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد که این فضاها توانسته‌اند نقش عمده‌ای در افزایش و بهبود روابط اجتماعی و کاهش محرومیت‌های ناشی از تمایزات طبقاتی و افزایش سطح رضایت‌مندی از محیط‌های عمومی شهر داشته باشند (Garcia-Ramon, 2004).

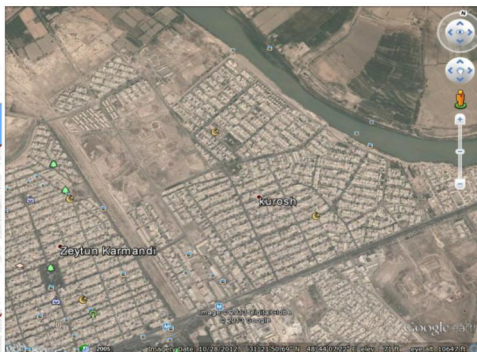
موقعیت شهر اهواز و فاز یک کوی ملت

شهر اهواز مرکز استان خوزستان است که در بخش جلگه‌ای پست خوزستان واقع شده است. با استناد به طرح جامع شهر اهواز مصوب ۱۳۶۷، محدوده قانونی شهر حدود ۲۲۰۰۰ هکتار بوده که در محدوده فوق حدود ۱۱۶۱۵ هکتار و معادل ۵۶/۸ درصد سطح کل محدوده تحت ساخت و ساز قرار گرفته است (آمارنامه، ۱۳۹۰). محله کوی ملت (فاز یک) از شمال به فاز ۲، از جنوب به کوی جواهری، از شرق به بلوار پاسداران و از غرب به فاز ۳ منتهی می‌شود. ده‌متری مقیمی زاده، بیست متری مقیمی زاده، اقبال، عامری و دانیال، خیابان‌های اصلی فاز یک را تشکیل می‌دهند. فاز ۳ در غرب بوسیله بلوار شمالی-جنوبی ذوالفقار از فاز یک جدا می‌گردد. فاز ۴ نیز در جنوب غرب کوی ملت واقع گردیده است. براساس بررسی‌های به عمل آمده بافت‌های مختلف شهر اهواز از لحاظ تقسیم‌بندی شکلی و توسعه عبارتند از: بافت تاریخی، بافت سنتی، بافت روستایی، بافت سنتی نو بنیاد، بافت طراحی شده، بافت حاشیه‌ای، مجموعه سازی. سطوح توسعه‌ی شهر در سمت شمال شرق، جنوب غرب و شمال غرب را بافت طراحی شده به خود اختصاص داده است. از لحاظ تاریخی این بافت ناشی از به وجود آمدن فعالیت‌های جدید شهری و ارتباطات سواره است. بافت طراحی شده از هندسه منظمی پیروی کرده که خطوط اصلی آن را شبکه‌های ارتباطی تشکیل می‌دهد. شبکه‌های ارتباطی در این بافت سهل‌تر است. قطعات مسکونی و یا سایر کاربری‌ها در این بافت از شکل‌های منظم و بیش‌تر مستطیل شکل پیروی می‌کنند. این بافت از تفکیک زمین‌های نسبتاً بزرگ به وجود آمده است. در این بافت‌ها

علاوه بر کاربری مسکونی، سایر کاربری‌های شهر نیز طراحی و پیش‌بینی شده است و کاربری‌های غیر مسکونی مانند تجاری، اداری، آموزشی و ... در لبه خیابان‌های اصلی جای گرفته و در عمق تنها کاربری‌های مسکونی شکل گرفته‌اند. از جمله بافت‌های طراحی شده در سطح شهر اهواز می‌توان به محلات کیان‌پارس، زیتون و کوی ملت اشاره کرد (مهندسين مشاور معماری و شهرسازی عرصه، ۱۳۸۸).



تصویر ۲- عکس هوایی محله کوی ملت
مأخذ: Google Map



تصویر ۱- کاربری اراضی و محدوده فاز یک در کوی ملت اهواز
مأخذ: (www.earth.google.com, 2014)

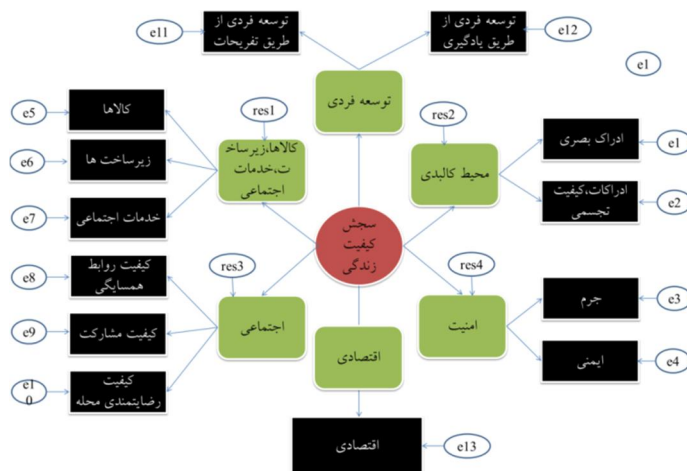
یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای تدوین معیارها و شاخص‌هایی جهت تعریف، تعیین و تبیین کیفیت زندگی شهری از تلفیق مدل میشل و مدل مارانز-اسمیتسون استفاده شده است (Mitchell, 2000; Marans & Smithson, 2011). دلیل اصلی تلفیق تأکید ویژه مدل دوم بر بعد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی است که سبب می‌شود در ترکیب با مدل میشل که بر شش بعد (۱) محیط کالبدی، (۲) منابع محیطی، کالاها و خدمات، (۳) توسعه اجتماعی، (۴) توسعه فردی، (۵) امنیت، (۶) سلامت تأکید می‌نماید مدل کاملی را برای استفاده در این پژوهش شکل دهد. با توجه به این که بعد اقتصادی در مدل سایر محققان یکی از ارکان اصلی کیفیت زندگی می‌باشد (Marans, 2002; Zakerhaghighi et al., 2014) و برخی دیگر بعد اجتماعی را دربرگیرنده مفهوم توسعه اجتماعی دانسته‌اند، این دو بعد در مدل این پژوهش اضافه شده است. بر این اساس با توجه به مجموعه نظریات و مطالعات انجام شده، اندازه‌گیری کیفیت زندگی شهری بر پایه شش شاخص اساسی زندگی شهری صورت گرفته است که هر

کدام حاوی متغیرهایی به منظور اندازه‌گیری و سنجش دقیق و کامل درجات کیفیت زندگی شهری است.

– بررسی رابطه مؤلفه‌های کیفیت زندگی در محله‌ی کوی ملت:

مدل مفهومی پژوهش، شاخص‌های مورد نیاز را نمایش می‌دهد، که در کیفیت زندگی محلات مسکونی می‌تواند مؤثر باشد. بنابراین لازم است، هر مدلی که از سوی هر اندیشمند یا پژوهشگری، ارائه می‌شود، مورد بررسی و آزمون در تأیید یا رد آن انجام گیرد. مدل مفهومی پژوهش حاضر، نیازمند تأیید یا رد در محدوده مورد مطالعاتی است. یکی از نرم‌افزارهایی که در بررسی و یا تأیید هر مدل می‌تواند، مورد استفاده قرار گیرد، نرم افزار آموس می‌باشد. در واقع نرم‌افزار مربوطه، با بررسی مؤلفه‌های مؤثر در کیفیت زندگی، به رد یا تأیید مدل مفهومی می‌پردازد و از طرف دیگر نیز مؤثرترین و ضعیف‌ترین متغیرها را در مدل مورد نظر مشخص می‌کند.



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

قبل از پرداختن به مدل مورد نظر، لازم است، میزان پایایی را مورد سنجش قرار گیرد. این کار در نرم‌افزار SPSS19 انجام شد. یکی از روش‌های بررسی میزان پایایی، استفاده از روش آلفای کرونباخ است. در واقع این روش به بررسی همبستگی درونی سؤالات می‌پردازد و میزان آن می‌باید بیش‌تر از ۰/۷۰ باشد، که در این صورت می‌توان گفت ابزار از پایایی بالایی برخوردار است (Carmines and Zeller, 1979: 11).

در روند تحلیل آماری ابتدا ۳۰ پرسش نامه جهت بررسی مقدماتی به طور تصادفی تهیه شد. برای تعیین پایایی پرسش نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب یاد شده برابر با ۰/۸۱۵ به دست آمد، که بیانگر پایایی پرسش نامه‌ها بود و می‌توان بیان کرد که بقیه پرسش نامه‌ها را در سطح محله قابل توزیع هستند. در ادامه پژوهش، بعد از بررسی پایایی، ابتدا، مدل مفهومی پژوهش را در نرم‌افزار، ترسیم شد، و داده‌ها از نرم افزار SPSS وارد نرم افزار یاد شده، می‌شود. قبل از بررسی خود نمودار مدل و بارهای عاملی و رگرسیون‌های استاندارد، در نرم‌افزار ابتدا، به بررسی جدول ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده، پرداخته و در نهایت، متغیرهایی که معنی‌داری آن‌ها، بیش تر از ۰/۰۵ است، از مدل نهایی حذف می‌شود. در واقع خروجی این جدول به ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده (برای متغیرهای پنهان)، بارهای عاملی استاندارد نشده (برای متغیرهای مشاهده پذیر) و مقدار P که به مفهوم معنادار بودن، از حیث آماری می‌پردازد. جدول ۱ خروجی نرم‌افزار در قسمت برآوردهای ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ضرایب رگرسیونی؛ (گروه اول - مدل پیش فرض)

ادراک بصری	←-----	محیط کالبدی	1.24	***
ادراکات و کیفیت تجسمی	←-----	محیط کالبدی	1.37	***
←-----	←-----	کالاها، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی زیرساخت	0.67	***
←-----	←-----	کالاها، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی کالاها	1.05	***
←-----	←-----	کالاها، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی خدمات اجتماعی	1.42	***
←-----	←-----	توسعه فردیتوسعه فردی از طریق یادگیری	0.62	***
←-----	←-----	توسعه فردیتوسعه فردی از طریق تفریحات و سرگرمی	0.43	***
جرم	←-----	امنیت	0.85	***
ایمنی فردی	←-----	امنیت	0.59	***
اقتصادی	←-----	کیفیت زندگی	0.91	***
کیفیت روابط همسایگی	←-----	اجتماعی	0.63	***
کیفیت مشارکت اجتماعی	←-----	اجتماعی	0.46	0.15
کیفیت میزان رضایت از محله	←-----	اجتماعی	0.93	***
محیط کالبدی	←-----	کیفیت زندگی	0.145	***
کالاها، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی	←-----	کیفیت زندگی	0.99	***
توسعه فردی	←-----	کیفیت زندگی	0.54	0.047
امنیت	←-----	کیفیت زندگی	0.52	***
اجتماعی	←-----	کیفیت زندگی	0.84	0.012

(مأخذ: نگارندگان)

طبق جدول بالا، تنها متغیری که که مقدار P آن بیش تر از $۰/۰۵$ است، متغیر کیفیت مشارکت اجتماعی است، بدین مفهوم که حضور این متغیر در مدل نهایی معنادار نیست، و بنابراین، قبل از ادامه کار، می‌باید این متغیر از مدل نهایی حذف گردد. در مرحله‌ی بعد، جدول همبستگی چندگانه، را مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این جدول دو گروه از متغیرها مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه نخست، ضرایب مربوط به متغیر وابسته و در گروه دوم مربوط به متغیرهای مشاهده‌پذیر. مقادیر مربوط به گروه اول معادل با مقدار رگرسیون R^2 در آنالیز رگرسیونی می‌باشد. به طور مثال در جدول ۳ مقدار $۰/۶۷۷$ برای متغیر محیط کالبدی، بیانگر آن است که مدل مفروض $۶۷/۷$ درصد از تغییرات متغیر محیط کالبدی را توضیح می‌دهد. از سوی دیگر مقادیر همبستگی چندگانه مربع، مربوط به گروه دوم از متغیرها (متغیرهای مشاهده‌پذیر)، معادل با پایایی است. در واقع این ضرایب همان مربع بارهای عاملی استاندارد می‌باشند. برای مثال مقدار $۰/۵۸۳$ برای متغیر کالاها، به آن معنا است که متغیر پنهان کالاها، زیرساخت‌ها، خدمات اجتماعی $۵۸/۳$ درصد تغییرات کالاها را توضیح می‌دهد. مقدار همبستگی چندگانه مربع برای متغیرهای مشاهده‌پذیر می‌تواند میزان کفایت هریک از این متغیرها را نیز نشان دهد. نحوه قضاوت در بازه این ضرایب در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- قضاوت در مورد ضرایب همبستگی چندگانه

متغیر مشاهده از مدل حذف می‌شود.	همبستگی کم تر از ۲۰
احتمالاً از مدل حذف شود.	همبستگی بین ۲۰ و ۳۰
اگرچه قابلیت پیش‌بینی ضعیف است، ولی در عین حال قابل ادامه می‌باشد.	همبستگی بین ۳۰ و ۵۰
قابل اطمینان است.	همبستگی بالاتر از ۵۰

(مأخذ: ابارشی، حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

جدول ۳- خروجی نرم‌افزار در قسمت برآوردهای همبستگی‌های چندگانه مربع

برآورد	برآورد	برآورد	برآورد
۰/۶۷۷	محیط کالبدی	۰/۴۳۳	کالاها
۰/۵۳۱	کالاها، زیرساخت‌ها، خدمات اجتماعی	۰/۵۸۳	خدمات اجتماعی
۰/۵۷۶	توسعه فردی	۰/۶۹۳	توسعه فردی از طریق یادگیری
۰/۴۱۱	امنیت	۰/۳۸۷	توسعه فردی از طریق تفریحات
۰/۵۵۶	اقتصادی	۰/۱۸۹	جرم
۰/۴۹۲	اجتماعی	۰/۶۴۲	ایمنی فردی
۰/۷۶۱	ادراک بصری	۰/۳۳۷	کیفیت روابط همسایگی
۰/۷۲۲	ادراکات و کیفیت تجسمی	۰/۵۳۹	کیفیت میزان رضایت از محله
	زیرساخت‌ها	۰/۶۶۱	

(مأخذ: نگارندگان)

طبق جدول بالا، مقدار همبستگی مربع چندگانه، متغیر توسعه فردی از طریق تفریحات برابر با ۰/۱۸۹ است، بنابراین باید از مدل نهایی حذف شود. در ادامه بررسی برازندگی مدل، بعد از حذف متغیرهای بالا در نظر گرفته می‌شود. در واقع شاخص‌های برازندگی مدل، اولین مرحله از بررسی آزمون برازندگی مدل هستند که نتیجه‌ی اولیه مدل، حاکی از عدم برازندگی مدل بوده است. بنابراین با حذف متغیرهای بالا، دوباره بررسی برازندگی مدل انجام می‌شود.

جدول ۴- شاخص مورد بررسی در برازندگی مدل

برازندگی مدل	مدل اولیه			
از ۱ تا ۵ و اگر بین ۲ تا ۳ باشد بهتر است.	۴/۸		DF CMIN/	کای اسکوئر به‌هنجارشده
بیش تر مساوی ۰/۹۲	۰/۸۳	نشان‌دهنده همخوانی مدل نظری با داده‌های تجربی است.	CFI	شاخص برازش افزایشی
اگر کوچکتر از ۰/۰۷ باشد.	۰/۱۲	سعی در حل مشکل پیچیدگی مدل و همچنین مشکل اندازه نمونه را دارد.	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد

(مأخذ: قاسمی، ۱۳۹۲ و ابارشی، حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

جدول ۵- Covariance: (Group number 1 – Default model)

		MI
e2	↔	e1 21.259
e1	↔	e5 24.421
e10	↔	e8 22.04

(مأخذ: نگارندگان)

شاخص اصلاح (MI) از عمومی‌ترین شاخص‌هایی هستند که پژوهشگران برای اصلاح مدل خود مورد استفاده قرار می‌دهند. این شاخص‌ها برآورد می‌کنند که در صورت آزاد گذاردن پارامتر یا پارامترهایی که در حال حاضر ثابت یا مقید تعریف شده‌اند چه مقدار از کای اسکوئر مدل کاسته خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۰۳).

جدول ۶- Regression Weights (Group number 1 – Default model)

		MI
← کیفیت روابط همسایگی	ادراکات، کیفیت تجسمی	۲۶/۲۱۲
← کیفیت روابط همسایگی	کیفیت میزان رضایت از محله	۳۳/۸۶

(مأخذ: نگارندگان)

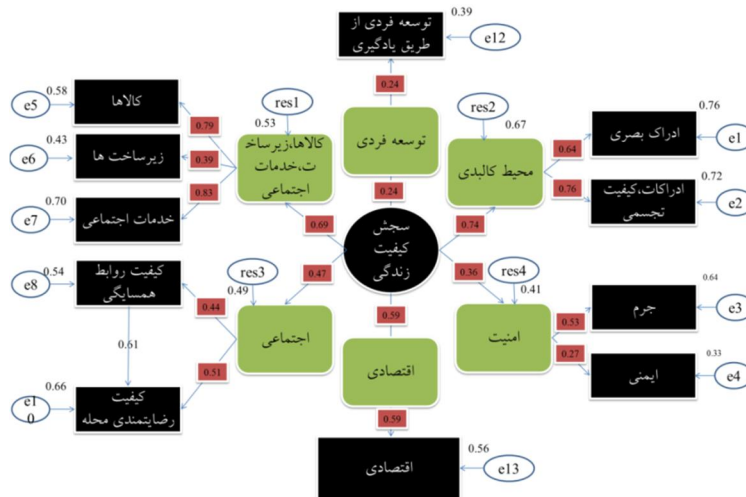
نکته حائز اهمیت در اعمال پیشنهادها، این است که پیشنهادهایی اعمال شود که پشتیبانی نظری را به همراه داشته باشد (ابارشی، حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). طبق جدول ۶، اثرگذاری متغیر روابط همسایگی بر کیفیت میزان رضایتمندی از محله می‌تواند دارای پشتیبانی نظری باشد. با ایجاد ارتباط بین دو متغیر، دوباره به بررسی برازندگی مدل پرداخته، که به دلیل برازندگی مدل، اعمال پیشنهادها در همین مرحله متوقف می‌گردد.

جدول ۷- شاخص مورد بررسی در برازندگی مدل

شاخص	مدل	برازندگی مدل
کای اسکوئر بهنجار شده	DF CMIN/	از ۱ تا ۵ و در صورت بین ۲ تا ۳ بودن، بهتر است.
شاخص برازش تطبیقی	CFI	بیش تر مساوی ۰/۹۲
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	اگر کوچکتر از ۰/۰۸ باشد.

(مأخذ: نگارندگان)

در این مرحله آزمون تأیید عاملی، مورد بررسی قرار گرفته، بنابراین مدل ابتدایی با حذف دو متغیر و ارتباط کواریانسی رد و مدل نهایی در محله مورد نظر باتوجه به ویژگی‌های خاص خود، به قرار زیر می‌باشد.



نمودار ۲-مدل سنجش کیفیت زندگی در محله کوی ملت (مأخذ: نگارندگان)

اثر کل استاندارد شده محیط کالبدی بر کیفیت زندگی برابر با $0/74$ واحد و آنالیز رگرسیونی آن برابر با $0/67$ است. ارتقاء هر یک از دو زیرمتغیر کالبدی (ادراکات بصری و تجسمی)، به اندازه یک واحد، سبب ارتقاء کیفیت زندگی به اندازه $0/74$ واحد خواهد شد. این مؤلفه به عنوان مؤثرترین مؤلفه بر کیفیت زندگی در محله کوی ملت اثرگذار است. زیرمتغیر ادراک بصری $0/64$ درصد بر محیط کالبدی اثرگذار است و میزان همبستگی چندگانه آن $0/76$ واحد، و زیرمتغیر کیفیت تجسمی به میزان $0/74$ درصد بر مؤلفه کالبدی اثرگذار است. در رده دوم مؤثرترین مؤلفه‌ها، کالاها، زیرساخت و خدمات با $0/69$ واحد اثرگذاری بر کیفیت زندگی قرار دارد. این مؤلفه با سه زیرشاخصه به دلیل بالا بودن بار عاملی توانسته اثرگذاری خوبی بر کیفیت زندگی داشته باشد. زیرمتغیر خدمات اجتماعی با $0/83$ واحد اثرگذاری و زیرمتغیر کالاها با $0/79$ واحد اثرگذاری بر مؤلفه خود توانسته موجبات ارتقاء کیفیت زندگی در محله کوی ملت را فراهم کند. از سه زیرمتغیر موجود متغیر زیرساخت با توجه به بار عاملی $0/39$ واحد نسبت به زیرمتغیرهای دیگر نتوانسته موجب ارتقاء این مؤلفه گردد. دلیل آن را می‌توان نبود کیفیت مناسب در دفع فاضلاب محله دید. مؤلفه اقتصادی سومین مؤلفه مؤثر نسبت به

سایر مؤلفه‌ها با اثرگذاری ۰/۵۹ واحد است، بدین معنی که محله مورد مطالعه به لحاظ اقتصادی در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد. مؤلفه اجتماعی با دو زیرمتغیر به عنوان چهارمین مؤلفه مؤثر و ۰/۴۷ واحد اثرگذاری در ارتقاء کیفیت زندگی قرار دارد. میزان اثرگذاری متغیر روابط همسایگی بر مؤلفه اجتماعی ۰/۴۴ واحد، و میزان همبستگی چندگانه این متغیر برابر با ۰/۵۴ واحد است. میزان اثر متغیر رضایتمندی محله بر مؤلفه اجتماعی ۰/۵۱ می‌باشد و با یک واحد کاهش یا افزایش آن، ۰/۵۱ واحد مؤلفه اجتماعی کاهش یا افزایش می‌یابد. نکته مفهومی این متغیر این است که میزان اثرگذاری در حد متوسط است و با ارتقاء این متغیر می‌توان موجبات ارتقاء کیفیت زندگی را فراهم کرد. متغیر کیفیت روابط همسایگی به میزان ۰/۶۱ بر کیفیت رضایتمندی محله اثر می‌گذارد. پنجمین مؤلفه اثرگذار بر کیفیت زندگی در محله مورد مطالعه امنیت، با اثرگذاری ۰/۳۶ و آنالیز رگرسیون ۰/۴۱ است. این مؤلفه با دو زیرمتغیر جرم و ایمنی فردی هر کدام با ۰/۵۳ واحد و ۰/۲۷ واحد اثرگذاری بر مؤلفه امنیت نیازمند راهکارهایی برای ارتقاء مؤلفه و از این راه کیفیت زندگی در محله می‌باشند. آخرین مؤلفه اثرگذار بر کیفیت زندگی در محدوده‌ی مورد مطالعه، مؤلفه توسعه‌ی فردی با دو زیرمتغیر، با ۰/۲۷ واحد اثرگذاری است که به دلیل حذف متغیر توسعه‌ی فردی از طریق تفریحات به صورت تک متغیره، توسط متغیر توسعه فردی از طریق یادگیری بر کیفیت زندگی اثر می‌گذارد. این امر نشان‌دهنده‌ی ضعف بسیار این مؤلفه در محله‌ی مورد مطالعه است.

نتیجه‌گیری

امروزه در شهرهای کشور، به دلیل عدم تطبیق و همخوانی بافت شهرها با الگوی جدید شهرنشینی، وجود تشکیلات متعدد و موازی در زمینه مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و مهم‌تر از همه عدم توجه مدیران شهری به توسعه‌ی محلات شهر از یک طرف و فرصت سرمایه‌گذاری و توسعه در حاشیه شهرها و محلات به علت ارزانی قیمت زمین از طرف دیگر، موجب کنار گذاردن شهر از فرایند توسعه‌ی شهری و نزول کیفیت زندگی در شهر شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵). از این رهگذر کیفیت اجتماعی، محیطی و اقتصادی که از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات کیفیت زندگی می‌باشند در تمام محلات از جمله محلات از پیش‌اندیشیده‌شده‌ای چون کوی ملت اهواز دچار افت کیفی شده‌اند این موضوع به شدت در محلات از پیش‌اندیشیده‌شده به چشم می‌خورد چرا که انتظار برنامه‌ریزان و مدیران شهری آن است که به دلیل وجود طرح‌های اولیه در چنین محلاتی، این محلات کم‌تر دچار مشکلات کالبدی باشند و به تبع آن و به دلیل

سکونت اقشار متوسط، دیگر شاخص های کیفیت زندگی نیز بالا و در حد مطلوب باشند، اما این انتظار علی‌رغم بالا بودن وضعیت مؤلفه کالبدی در سایر مؤلفه‌ها چندان برآورده نشده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اثر کل استاندارد شده مؤلفه‌های کیفیت زندگی در کوی ملت اهواز، به ترتیب سطح کیفی شامل محیط کالبدی با ۰/۷۴ واحد، کالاهای، زیرساخت و خدمات با ۰/۶۹ واحد، اقتصادی با ۰/۵۹ واحد، اجتماعی با ۰/۴۴ واحد، امنیت با ۰/۳۶ واحد، و مؤلفه‌ی توسعه‌ی فردی با ۰/۲۷ واحد قرار گرفته‌اند و بدین ترتیب کیفیت زندگی شهری ارزیابی شده در سطح متوسط و در برخی زیرمتغیرها در زیر سطح متوسط می‌باشد. این امر نشان می‌دهد علاوه بر الزام از پیش طراحی برنامه‌ریزی شدن در چنین محلاتی، این محلات نیازمند مدیریت خردمندانانه برای بهینه‌سازی و استفاده از پتانسیل‌های موجود هستند. علاقه شهروندان به محله و مشارکت در امور مربوط به محله برای از بین بردن مشکلات آن می‌تواند پتانسیل خوبی برای بهبود وضع محله باشد. لذا مدیریت شهری باید با بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها در جهت افزایش کیفیت زندگی در محله تلاش نماید. بیش‌ترین نارضایتی شهروندان از مؤلفه توسعه فردی از طریق تفریحات و یادگیری می‌باشد. این مؤلفه بر کیفیت زندگی در حد بسیار ضعیفی تأثیر مثبت داشته و نتایج حاکی از آن است که به نظر ساکنان خدماتی همچون کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان، کتابخانه و مکان‌های تفریحی و فضای سبز در حد ضعیفی در این محله قرار دارد. پس از آن می‌توان به ایمنی فردی و زیرساخت اشاره کرد که به ترتیب از دلایل این امر می‌توان به عدم روشنایی در شب و همچنین عدم امکان حضور زنان در شب و عدم کیفیت مناسب در دفع فاضلاب و برخی مشکلات در خیابان‌ها را نام برد. این معضلات باید توسط برنامه‌ریزان و مدیریت شهری اهواز در هنگام اجرای طرح‌های جدید شهر مدنظر قرار گیرد. نادیده‌انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای شهری، بی‌توجهی به ارتقای کیفیت‌های محیطی در فضاهای شهری و کیفیت‌های مؤثر در پیوندها و جابه‌جایی‌های شهری سبب شکل‌گیری فضاهایی شده است که توانمندی مورد انتظار را در برابر پاسخگویی به رفتارهای شهروندی از دست داده است. با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در یک مکان، در این پژوهش سعی شد به ارزیابی کیفیت زندگی از نظر ساکنان در محله‌ی کوی ملت شهر اهواز پرداخته شود و با استفاده از روش‌های علمی زمینه لازم برای سنجش آن در جهت ارتقاء کیفیت زندگی محلات شهری آماده شود. چنین مطالعاتی یقیناً می‌توانند در سایر محلات نیز انجام پذیرند و نتایج آن می‌تواند در بخشی از اقدامات مدیریت شهری به عنوان راهنما عمل کند.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابارشی، ا.، حسینی، س. ی. ۱۳۹۱. مدل‌سازی معادلات ساختاری. تهران، نشر جامعه شناسان.
- ۲- امین‌زاده، ب.، افشار، د. ۱۳۸۲. طراحی و الگوهای رفتاری: پیشنهاد برای بهسازی پارک‌های شهری. فصلنامه محیط شناسی، ۲۹ (۳۰): ۴۳-۶۰.
- ۳- اونق، ن. ۱۳۸۴. بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۴- بحرینی، س. ح. ۱۳۷۷. فرآیند طراحی شهری. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- بحرینی، س. ح.، طبیبیان، م. ۱۳۷۷. مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، ۲۴ (۲۱): ۴۱-۵۶.
- ۶- بوند، ج.، کورنر، ل. ۱۳۸۹. کیفیت زندگی و سالمندان. حسین محقق. چاپ اول. نشر دانژه.
- ۷- بهمنی، ب. ۱۳۸۹. بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و رابطه آن با متغیرهای نگرش دینی. چاپ اول. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۸- تیبالدز، ف. ۱۳۸۵. شهرسازی انسان محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک. حسنعلی لقای و فیروزه جدلی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- خادمی، الف. ۱۳۹۰. ارزیابی و مکان‌یابی فضای سبز شهری با استفاده از GIS (نمونه موردی: شهر آمل). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- ۱۰- رضوانی، م.، متکان، ع. الف.، منصوریان، ح.، ستاری، م. ح. ۱۳۸۸. توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱ (۲): ۸۷-۱۱۰.
- ۱۱- رفیعیان، م.، عظیمی، م.، مقدم، ح. ۱۳۹۱. ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۶: ۳۳-۵۱.

- ۱۲- رفیعیان، م.، عسگری زاده، ز.، فرزاد، م. ۱۳۹۲. مطلوبیت سنجی محیط‌های شهری: نگرشی تحلیلی در سنجش کیفیت محیط شهری: رویکردها، شاخص‌ها و روش‌ها. چاپ اول. نشر شهر.
- ۱۳- زیاری، ک.، سالاروندیان، ف.، قنبری نسب، ع.، حبیبی، ل. ۱۳۹۲. تحلیل تطبیقی تفاوت‌های سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز (موارد مطالعه شهرک بهار، مهدی آباد و سهل آباد)، فصلنامه آمایش محیط، ۲۱: ۳۹-۶۴.
- ۱۴- سلطان‌زاده، و. ۱۳۸۸. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در فرآیند احیاء بافت فرسوده شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز.
- ۱۵- سمیعی، م.، رفیعی، ح.، اکبریان، م.، امینی رازانی، م. ۱۳۸۹. سلامت اجتماعی ایران: تعریف اجماع مدار تا شاخص شواهد مدار. مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲): ۳۱-۵۱.
- ۱۶- سیف‌الدینی، ف. ۱۳۷۸. فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. چاپ اول. انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۷- شرکت مهندسی مشاور معماری و شهرسازی عرصه. ۱۳۸۸. مطالعات تفصیلی، محیط انسان ساخت و کالبدی. سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان.
- ۱۸- شماعتی‌پور، ع.، پوراحمد، الف. ۱۳۸۴. بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- شهابیان، پ.، سعیدپور، س.، پیرایه‌گر، م. ۱۳۹۳. سنجش رضایتمندی سکونت‌ی ساکنان محله منظریه (بافت جدید) و ساکنان محله خواهر امام (بافت قدیم) در شهر رشت، فصلنامه آمایش محیط، ۲۴: ۴۱-۶۲.
- ۲۰- غفاری، غ.، امیدی، ر. ۱۳۸۸. کیفیت زندگی، شاخص‌های توسعه اجتماعی. چاپ اول. نشر شیراز.
- ۲۱- قاسمی، و. ۱۳۹۲. مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics. چاپ اول. نشر جامعه‌شناسان.

- ۲۲- گلین شریف دینی، ج. ۱۳۸۹. کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تهران: اسلام آباد و صالح آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- ۲۳- لطفی، ص. ۱۳۸۸. مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، ۱ (۴): ۶۵-۸۰.
- ۲۴- لینچ، ک. ۱۳۷۴. سیمای شهر. منوچهر مزینی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۵- لینچ، ک. ۱۳۷۶. تئوری شکل خوب شهر. سید حسین بحرینی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۶- مختاری، م.، نظری، ج. ۱۳۸۹. جامعه‌شناسی کیفیت زندگی. چاپ اول. انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۷- مدنی‌پور، ع. ۱۳۸۴. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی. فرهاد مرتضایی. چاپ اول. نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۲۸- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰. استان خوزستان.
- ۲۹- مهدی‌زاده، ج. ۱۳۸۲. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). چاپ اول. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- 30- Bayram, N. Thorburn, D. Demirhan, H. 2007. Quality of life among Turkish immigrants in Sweden. *Quality of Life Research*, 16 (8): 1319-1333.
- 31- Carmines, E. G., & Zeller, R. A. 1979. Reliability and Validity Assessment. Sage University Paper Series on Quantitative Application in the Social Sciences. Beverly Hills.
- 32- Chan, WCS., Chien, WT., Thompson, D., & Lam, L. 2006. Quality of life in Chinese elderly people with depression. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 21 (4): 312-318.
- 33- Garcia-Ramon, M., D. Ortiz, A., Parts, M. 2004. Urban Planning, Gender and The use of Public Space in a Peripheral Neighbourhood of Barcelona. *Cities*, 21 (3): 215-223.

- 34- George, I. k., & Bearon, L. B. 1980. Quality of Life in Elder Persons: Meaning and Measurement. New York: Human Sciences Press.
- 35- Harpham.T. Burton, s., Blue, I. 2001. Healthy City Project in Developing Countries: The First Evaluation, South Bank University, London, 16 (2): 111-125.
- 36- Kamp, I. V., Leidelmeijer, K., Marsman, G., Hollander, A.D. 2003. Urban environmental quality and human well-being: Towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; a Literature Study. Landscape and Urban Planning, 65(1-2): 5-18.
- 37- Lansing, J.B., Marans, R.W. 1969. Evaluation of Neighborhood Quality. Journal of the American Institute of Planners, 35 (3): 195-199.
- 38- Lee, J. Je, H., Koo, B. 2008. A Study on the Direction of Remodeling for Super High-Rise Housing through Survey with Express.
- 39- Marans, R.W. 2002. Understanding Environmental Quality through Quality of Life Studies: the 2001 DAS and its Use of Subjective and Objective indicators. Landscape and Urban Planning, 991, 1-11.
- 40- Marans, R. W., & Stimson, R. J. (Eds.). 2011. Investigating Quality of Urban Life: Theory, Method, and Empirical Research. Dordrecht. The Netherlands: Springer Publishing.
- 41- Mitchell, G. 2000. Indicators as Tools to Guide Progress on the Sustainable Development Pathway. In: Lawrence, R.J. (Ed.). Sustaining Human Settlement: A Challenge for the New Millennium. Urban International Press, 55-104.
- 42- Schuessler, K. f., & Fisher, G.A. 1985. Quality of life Research & Sociology. Annual Review social, 11(129), 129-149.
- 43- Van Poll, R. 1997. The Perceived Quality of the Urban Residential Environment. A Multi-Attribute Evaluation, University of Groningen (RuG), The Netherlands.
- 44- Zakerhaghighi, K., Khanian, M., & Gheitarani, N. (2014) Subjective Quality of Life: Assessment of Residents of Informal Settlements in Iran (A Case Study of Hesar Imam Khomeini, Hamedan). Applied Research in Quality of Life, Vol.9, No.2.

